

دفاع از روحانیت غیر سیاسی؟

علی اشرف فتحی

سخنان اخیر علی‌اللهی دادستان ویژه روحانیت قم آن قدر مورد توجه قرار گرفت که اگر نام این روحانی نه چندان مشهور را در اینترنت جستجو کنید، بیش از هر چیز به بازتاب این سخنان در سایت‌های خبری خواهید رسید. به گزارش مرکز خبر حوزه، حجة الاسلام عبداللهی در نشست سرگروه‌های تبلیغی سازمان اوقاف استان قم که در سالن همایش‌های دادرسرای ویژه برگزار شد، گفت: مبلغین در امور سیاسی دخالت نکنند و فقط زمینه‌های اصلاح جامعه را فراهم کنند و فعالیت‌هایشان ارشادی باشد. وی ادامه داد: افتخار و محبوبیت روحانیت در بین مردم به خاطر این است که حلال و حرام خدا را با حفظ امانت بیان می‌کند. روحانیون از فرزندان آنان و مسوولان کشوری و طرفداری از احزاب و گروه‌ها خودداری کنند تا چهره روحانیت از سیاست زدگی به دور باشد.

پیش از عبداللهی نیز حجة‌الاسلام محمد سلیمی مقام مافوق وی و رئیس دادرسرای ویژه روحانیت در جمع مسوولان و قضات دادرسرای ویژه روحانیت هشدار داده بود: روحانیون باید آگاه باشند، دشمنان برای روحانیون، فرزندان آنان و مسوولان کشوری دام گذاشته‌اند تا به قشر روحانیت ضربه وارد کنند.

سلیمی در همایش سالانه دادرسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت در قم با اشاره به این که دشمنان برای برخی روحانیون دام گذاشته و فیلمبرداری هم کرده‌اند گفته بود: من دراین جمع نمی‌توانم اسم ببرم، اما ما باید هوشیاری خود را حفظ کنیم.

سال گذشته فیلمی از یک روحانی تویسرکانی در سایت‌ها و وبلاگ‌ها منتشر و به سرعت از طریق گوشی‌های تلفن همراه پخش شد. به نظر می‌رسد که هشدار رئیس دادرسرای ویژه روحانیت اشاره به همین فیلم باشد. روحانی مذکور به حبس و تبعید محکوم شد. اما توصیه اخیر دادستان ویژه روحانیت قم که دومین مقام مهم این دادرسراست، ابعاد وسیع‌تری را دربر می‌گیرد. وی در حالی از روحانیون و مبلغین خواسته غیرسیاسی تر شوند که تا پیش از این، روحانیون و مبلغین دینی یکی از ابزارهای مهم انتقال پیام‌ها و توصیه‌های سیاسی برخی جناح‌ها به توده‌های مردم بوده‌اند.



تاکید و تایید مکرر سیاسی شدن روحانیون در سه دهه پس از انقلاب از مقبولات و مسلمانات نظام فکری این طیف بوده است. با این حال به نظر می‌رسد که موضع‌گیری‌های تند و خیرساز برخی ائمه‌جمعه و روحانیون مشهور و رسانه‌ای، مسوولان قضایی حوزه را وادار کرده که توصیه‌های پیشین را نادیده گرفته و بر غیرسیاسی‌تر شدن فضای تبلیغی مساجد و منابر تأکید کنند. آیا این توصیه به معنای شکل‌گیری رویکرد و استراتژی تازه‌ای در نظام فکری بزرگان و مدیران حوزه و نشان‌دهنده گرایش بیشتر آن‌ها به کار فرهنگی است و یا تنها یک تاکتیک برای گذر از وقایع اخیر کشور محسوب می‌شود؟ به نظر نمی‌رسد که فشارهای طیف سنت‌گرای حوزه بر غیرسیاسی شدن روحانیت در این امر دخیل بوده باشد، اما هرچه که باشد مدیران حوزه پذیرفته‌اند که مردم دیگر به منبرهای سیاسی و جناحی روی خوشی نشان نمی‌دهند. اگر روزگاری سیاسی شدن روحانیون از آرمان‌های نواندیشان دینی بود، اکنون غلیظ شدن این ویژگی به مضمیلی برای امر تبلیغ بدل شده و مقامات قضایی را هم برای اصلاح این آسیب وارد گود کرده است.

طلبه‌های شهرستانی اهل پژوهش نیستند

خبرگزاری رسا: یک‌مدیر حوزوی از به حاشیه رفتن امر پژوهش در میان طلاب شهرستانی انتقاد کرد.

حجت‌الاسلام قدرت صفرزاده مدیر حوزه علمیه سفیران هدایت تبریز گفت: در تمامی دانشگاه‌ها دو واحد درسی نظری و عملی تحقیق وجود دارد،اما در مدارس علوم دینی چنین نیست. صفری معتقد است: بیشتر اوقات واحد‌های تحقیقی در مدارس علوم دینی به صورت اختیاری ارایه می‌شود که نشان می‌دهد متأسفانه بحث تحقیق در اغلب مدارس علوم دینی شهرستان‌ها فراموش شده است.



طلاب باید اهل قلم و مطالعه باشند

به گزارش مرکز خبر حوزه:آیت‌الله مقتدایی مدیر حوزه علمیه قم گفت: طلبه نباید تنها به دروس حوزه اکتفا کند، بلکه باید مطالعه جنبی داشته و با تدبیر در روایات و نهج‌البلاغه و نیز حفظ آیات قرآن از فرصت‌ها استفاده کند.

مدیر حوزه‌های علمیه در همایش "طلیعه علم و معرفت" ویژه طلاب جدیدالورود مدارس علمیه قم گفت:تهذیب و اخلاق در حوزه بسیار مهم است و ما تلاش می‌کنیم طلابی که وارد حوزه می‌شوند، تارسیدن به مرحله درس خارج، با برنامه‌های تهذیب آشنا شوند و اهل قلم باشند.

آیت‌الله دکتر مصطفی محقق داماد:

حقوق بشر، ام‌المسائل جهان امروز است



هادی رحبلا

مناقشه بر سر محتوای قانون

دکتر راسخ چنین پاسخ داد که در مقام حقوق مسلمان و نامسلمان نداریم، بلکه در مقام تصمیم‌گیری برای محتوای حقوق این بحث پیش می‌آید و این هم طبیعی است که اکثریت نمایندگان مجلس در یک کشور مسلمان، مسلمانند و به وضع قواعدی نمی‌پردازند که خلاف جهت‌گیری اسلام باشد.

وی سپس گفت حقوق بشر در دولت ملی توسط قانون و حاکمیت قانون تضمین می‌شود. اقتضای عدالت در سطح نظری و اقتدار سیاسی در سطح عملی تضمین و پشتوانه حقوق بشر است.

او افزود مسلمانان در مقام اداره کشور باید واضح قانون لا اقتضا نسبت به ایدئولوژی باشند؛ همان‌قدر دغدغه ایدئولوژی خود را داشته باشند که دغدغه ایدئولوژی دیگران. این استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی بیان داشت خط قرمز دولت ملی فاشیسم است که کسی حق کسی را تضییع نکند. مسلمین هم باید تا جایی میراث‌شان را وارد قانون کنند که انسان بما هو انسان را نقض ننماید.

اما دکتر سیدمحمد سیدفاطمی چنین ایراد کرد خود گزاره قانون لا اقتضا است به ایدئولوژی یک نرم حقوق بشری است و می‌دانیم قانون از ازدواج واقعیت و ارزش حاصل می‌آید. بدون نگاه پوزیتیستی، به هر حال قانون محتوایی دارد.

که دکتر راسخ در جواب گفت مبنای قانون عدالت است و عدالت مفهومی فرادینی است. وی اضافه کرد دغدغه مسلمان نه فقه که عدالت است. سپس با اشاره به کتابی از شهید مطهری که هیچگاه منتشر نشده، گفت در آن کتاب، ایراد آیت‌الله مطهری به فقه این است که عدالت در فقه اخذ نمی‌شود ولی مساله اسلام عدالت است.

در این جا آیت‌الله دکتر محقق داماد از مرجع تشخیص مصادق عدالت پرسید که دکتر راسخ پاسخ داد عقل بشری و آیت‌الله محقق در جواب گفت در بیان‌اشعری، شرع مصادیق عدل را می‌گوید و فقهای ما نیز اشعری هستند. که دکتر راسخ به این پاسخ بسنده کرد که این بیان معتزلی نیست، ما برای فهم عدل به شرع رجوع نمی‌کنیم.

ایهام در جایگاه اصطلاحات

در بخش پایانی این میزگرد دکتر هادی وحید اظهار داشت ما در کشوری زندگی می‌کنیم که قانون مانند بسیاری از اصطلاحات جایگاه خود را ندارد. وی با طرح این پرسش که آیا قاعده اخلاقی با صرف صورت قانون یافتن، قانون است؟ به ذکر ماده‌ای از قانون مدنی پرداخت که از این شوهر را مکلف به خوش رفتاری با یکدیگر نموده است. وی گفت آیا یک قاضی چنان که به مواد مربوط به خلع ید استناد می‌کند به این مواد هم استناد می‌جوید؟ دکتر وحید سپس با تعمیم این قضیه اظهار داشت در سرتاسر قانون اساسی هرچیزی که ممکن است به ضدمصلحت قانون بدل شود به زبان قانون بیان می‌شود؛ به هر حال باید دانست معنای واژه قانون چیست؟



محسن داماد

می‌کنیم، حتی به این اکتفا نکرده ایم و برای آزادی این زندانیان ردیف بودجه هم گنجانده‌ایم. یعنی ما از طرفی افراد را به خاطر بدهی‌هایی که دارند زندانی می‌کنیم و از سوی دیگر برای آن ردیف بودجه در نظر می‌گیریم؛ اگر زندانی شدن مدیون به حق است، پس دلیل جمع‌آوری پول برای آزادی او چیست؟

این استاد مدعو دانشگاه پاریس افزود: یا باید در صحت زندان مدیون شک کرد، یا در صحت اعانه برای آزادی او. از آن‌جا که بسیاری از مردم جمع‌آوری پول در این راه را ایثار می‌دانند، کمتر کسی در صحت امر اخیر تردید می‌کند؛ و باید در به حق بودن زندان شک کرد. بنا به اعتقاد دکتر وحید در این‌جاست که فقدان نظریه عدالت بحران‌های خود را نشان می‌دهد.

همه چیز در گرو مفهوم قانون

دکتر محمد راسخ، دیگر سخنران این نشست سخنان خود را با این ایراد آغاز کرد که هم فلسفه اسلامی محل تردید است و هم فلسفه حقوق در فلسفه اسلامی چرا که نه فلسفه به معنای دقیق در اسلام وجود دارد و نه حق و قانون به معنای جدید. وی مهم‌ترین چالش را مفهوم قانون دانست و گفت قانون مدرن زاینده دنیای مدرن و در عین حال حافظ آن است. صاحب کتاب حق و مصلحت اظهار داشت دو عنصر مهم غرب یعنی دولت ملی و مفهوم حق، قانون مدرن را متولد کرد.

وی در تبیین معنای دولت ملی، ملت را تکثری از فرقه‌ها، عقیده‌ها و ایدئولوژی‌ها دانست که یکی از مهم‌ترین مسایل آن اداره عمومی است. وی مساله اداره عمومی را تکثر این گروه‌ها بیان کرد که در عین حال ذیحق (به معنای به کاربرنده آن) هم هستند. مترجم کتاب مبانی حقوق عمومی افزود از حیث عناصر عینی دنیای مدرن واجد دولت ملی، و از حیث عناصر ارزشی واجد حق است. قانون مدرن فرا ایدئولوژیک و تصمیمی نهادی است که قصد تمثیت امور ملی را دارد.

وی ابراز عقیده کرد: اگر کسی در این مملکت شیعه، مسلمان و یا متدین نباشد باید چه کند؟ چرا که درون یک ملت لزوماً همه مسلمان شیعه فقه مداری نیستند. استاد دانشگاه شهیدبهشتی ابراز داشت گرفتاری بزرگ مسلمین معادل‌گیری شرع و قانون است، حال این‌که این دو نه در مینا، نه در هدف و نه در متد یکی نیستند.

وی ادامه داد فقه و حقوق دو چیزند و تا از این عبور نکنیم به فلسفه حقوق نخواهیم رسید زیرا مساله فقه تکلیف‌بنده است و مساله حقوق تمثیت امور ملت. دکتر راسخ در نهایت به این نتیجه رسید که همه چیز در گرو روشن شدن مفهوم قانون است. دکتر سیدفاطمی در مقابل چنین‌گفت که در حال حاضر دو نظام هنجاری در جامعه مسلمین در حال رقابت است؛ و ما باید برای اداره جامعه قانون ایجاد کنیم؛ برای ایجاد قانون هم محتاج به باید‌ها و نباید‌هایی هستیم و از دیگرسو با واقعیت دو سیستم مواجهیم. وی ادامه داد به نظر می‌رسد هنوز هم چالش حقوق بشر است و مساله برابری، آزادی، مشروعیت و کنترل قدرت. وی در نهایت پرسید وظیفه ما به عنوان حقوقدان مسلمان چیست؟

متصل به عقل فعال است؟ چگونه فقهایی مثل نائینی توانستند مساله آزادی و برابری را هضم و توجیه کنند؟ چگونه شد که به رغم مخالفت‌های امثال شیخ فضل‌الله در اکثر جوامع اسلامی آزادی و برابری جایگاه خود را یافت؟ دکتر سیدفاطمی در این‌جا رویکرد مسلمانان به حقوق بشر را قابل تقسیم‌بندی در سه دسته دانست: نخست انکاریون؛ که حقوق بشر را دستاورد غرب و کفار می‌دانستند و هیچ نیازی در این مساله نمی‌دیدند. بنابر این رویکرد هیچ حاجتی به اصلاح نه در اصول استنباط و نه در فروع مستنبطه نبوده و نیست، شاید بتوان پیروی از غرب وجود ندارد. شاید بتوان برخی علمای مخالف مشروطه را در این دسته گنجاند. دومین گروه اعتذاریون‌اند که به فکر اصلاح جزئی در سیستم افتاده‌اند. بنابر تعریف وی احتمالاً برخی از فقهای نواندیش در این گروه با باشند. این گروه با حفظ اصول، دست به بازنگری در فروع می‌زنند. اما سومین دسته به دنبال تغییر پارادایم فهم‌اند و اصلاحیون نام دارند. بعید نیست که نواندیشان دینی را بتوان از این گروه دانست.

این دانش‌آموخته دانشگاه منبجستر ادامه داد اگر بناست تا حقوق بشر را با همه متعلقاتی که دارد بپذیریم، به نظر اصلاح در سیستم استنباطی و تفسیر متن دینی ضروری باشد. راهی که اصلاحیون برای پیشبرد پروژه خویش از دل سنت دارند بحث تخطئه و تصویب است، اما تئوری تخطئه دیگر نباید محدود به مابعد استنباط باشد، بلکه در بنیاد استنباط و متد استنباط هم باید مخطئه باشیم. وی گفت باید در بحث اخلاقی حسن و قبح عقلی و نه ذاتی را جدی گرفته و عمیقاً به ریشه‌های حق و قبح نظیر حجیت خبر واحد، حجیت‌ظواهر و از همه مهم‌تر حجیت امر الهی در تعیین ارزش‌ها بپردازیم. در دنباله این صحبت‌ها آیت‌الله دکتر محقق داماد گفت یک راه این است که بگوییم عقل خوبی عدالت را درک می‌کند و صرفاً مستقلات عقلی را به رسمیت بشناسیم، که راه به جای نخواهیم برد و راه دیگر روش معتزله است که مصادیق عدالت را با عقل می‌فهمیم. (باید توجه داشت که در شیعه متکلمین بر خلاف فقها معتزلی بودند) وی ادامه داد: اگر بر حرف معتزله پافشاری نماییم چه شکالی دارد که مسایل را از این طریق حل کنیم، ولی باید بدانیم آیا از نظر فیلسوفان ما، عقل به تعیین مصادیق می‌پردازد یا نه؟

چالش فقدان نظریه

عدالت و پارادوکس نظام حقوقی

از دیگران حاضران این میزگرد دکتر هادی وحید خراسانی فرزند آیت‌الله العظمی حسین وحید خراسانی بود که باور داشت یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود فقدان نظریه عدالت است. وی یکی از دلایل ناکارآمدی نظام حقوقی کشور را در عین وابستگی شدید به فقه، فقدان نظریه عدالت دانست. او اثر مستقیم فقدان نظریه عدالت را پارادوکس در نظام حقوقی عنوان کرد و با اشاره به مثالی در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی گفت: طبق قانون ممکن است شخص مدیون در اثر نپرداختن بدهی خود، زندانی شود، حسب قانونی بودن باید حکم قاضی را در این مورد عادلانه دانست؛ حال آن‌که هرساله در ایام ماه رمضان و نوروز از مردم برای آزادی این زندانیان استعانت

برابرند؟ چه کسی حکم به برابری مسلم و کافر می‌دهد؟ آزادی را منافی عبودیت می‌داند و نهایتاً می‌گوید تقنین هم دکائی است در برابر دکان شرع. دکتر سیدفاطمی این اشکالات را دقیق دانست و گفت رساله تنبیه‌الامه هم در حقیقت پاسخ به همین سه شبهه است.

وی اضافه کرد: هنوز هم دعوا همان دعوی "حق تعیین سرنوشت است. هنوز دعوا بر سر این است که آیا عقل(نه عقل ابزاری، بلکه عقلی که دآوری اخلاقی داشته و آن‌ها را در هنجارهای حقوقی بازتولید می‌کند) می‌تواند از وحی منقطع شود؟ استاد کرسی حقوق بشر در اسلام گفت: دوره ماقبل دکارت قابلیت طرح حقوق بشر را به این شکل نداشته است؛ هرچند باید گفت در دین بن مایه‌هایی حقوق بشری برای رسیدن به خویش‌حقوق بشری از اسلام (و نه خویش‌اسلامی از حقوق بشر) وجود دارد.

موضوع حقوق بشر؛ انسان متعقل یا انسان بیولوژیک؟

در ادامه دکتر محقق داماد به طرح این مساله پرداخت که برابری با کدام تلقی فیلسوفان از انسانیت معنا می‌یابد؟ آیا شئیثت به صورت است و تعقل فصل‌میزبشریت؟ این‌گونه می‌رسیم به این‌که بشر یعنی موجود متعقل. و آیا یا این‌درک از انسان است که به حقوق بشر می‌رسیم یا با تصور بشر به عنوان همان عینیت خارجی؟

وی سپس در پاسخ به بخشی دیگر از سخنان دکتر سیدفاطمی ابراز داشت: بسیاری از اشکالات نسخه جدید حرف‌هایی است که در جریان انقلاب کبیر فرانسه هم گفته می‌شد: در همان زمان هم گفته می‌شد عقل جزئی بشر قادر به اداره خویش نبوده و در برابر عقل کلی حاکم بر جهان هیچ است. حال این سخنان هم ریشه یونانی داشت. آن‌که اصرار ابن‌سینا در شفا این است که معرفت و شناخت بشر متصل به عقل فعال نیست. ابن‌سینا عقل فعال را که مبدا جهان است می‌پذیرد ولی قایل به استقلال بشر در تعقل نیز هست. و در همه این مباحث باید دقت داشت که عقل فعال همان وحی است.

دکتر قاری سید فاطمی ابتدا در پاسخ به مساله عقل ابن‌سینا گفت: ابن‌سینا پی‌گیر پروژه ارسطو در علم بود که علم نه یادآوری، که یادگیری است، به باور او این‌سینا از این حیث در حال رسیدن به عقل مادی و زمینی کردن عقل است.

وی سپس با بازگشت به این بحث که انسانیت انسان به چیست؛ گفت: برخی نوکاتی‌ها معتقدند ذیحق کسی است که بتواند "به لحاظ توان عقلانی مدعی داشتن حق شود؛ در این بیان محجورین(نظیر کودکان، معلولان ذهنی، افراد در کما و...) واجد حق نیستند و باید در پی نظام دیگری برای حقوق بشر باشیم. گروه زند انسانیت به تعقل گروهی از انسان‌ها را از دایره ذیحقی‌ها خارج می‌کند و به همین جهت بسیاری از علمای حقوق بشر این مساله را نمی‌پذیرند. باید پذیرفت مساله حقوق بشر معاصر انسان بیولوژیک است؛ اما حقوق مدنی و سیاسی مستلزم انسان عاقل است.

سه رویکرد مسلمانان به حقوق بشر و راهبرد تعمیم نظریه تخطئه

آیت‌الله محقق داماد با این پرسش زمینه بررسی رویکرد مسلمانان به حقوق بشر را فراهم آورد که آیا عقل بشری در معرفت